



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحثمان در روایاتی از وسائل الشیعة بود که یستفاد منهم اینکه قبل از قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر قیام و خروجی باطل و طاغوت است و مردم باید ساکت و صامت بمانند تا حضرت صاحب علیه السلام ظهور کند، یکی از روایاتی که به آن استدلال شده و ما خواندیم خبر عیص بن القاسم (خبر ۱ از باب ۱۳ از ابواب جهاد العدو) است که صحیح السند نیز بود و در آن از امام صادق علیه السلام در مورد قیام سوال شده، ولی خب این قضیه فی واقعیه می باشد زیرا در آن زمان بنی امیه رو به سقوط می رفته و بنی عباس تلاش می کردند تا خلافت و قدرت و حکومت را در دست بگیرند در چنین زمانی از حضرت سوال شده که ما به کسانی از بنی عباس که قیام می کنند برای سرنگونی بنی امیه کمک کنیم یا نه؟ که حضرت می فرمایند خیر و شکی هم در این مطلب وجود ندارد زیرا بنی عباس نیز مثل بنی امیه بودند و کمک به قیام باطل آنها صحیح نمی باشد و اما نفی حضرت به کمک برای قیام بنی عباس دلیل نمی شود که کلاً هیچوقت و برای هیچکس نباید قیام شود لذا اگر قیام برای به حکومت رسیدن خود نباشد بلکه و برای رساندن حکومت به اهل بیت علیهم السلام باشد اشکالی ندارد بنابراین خبر عیص دلالت دارد بر اینکه نفی و نهی امام صادق علیه السلام فقط در مورد کمک به قیام باطل برای به قدرت رسیدن بنی عباس بوده لذا نمی تواند دلیل واقع شود.

در ادامه خبر سائیلین از قیام زید سوال کرده اند اما حضرت فرموده قیاس این قیام باطل بنی عباس با قیام زید مع الفارغ است زیرا زید در زمان بنی امیه قیام کرد تا آنها را ساقط کند و حکومت را به اهل بیت تحویل بدهد، بنابراین خبر عیص بالعکس دلالت دارد بر اینکه اگر کسی در برابر ظلم قیام کند و قصدش این باشد که حکومت را به اهلش برساند هیچ اشکالی ندارد منتهی باید توجه داشت که اهل در هر زمانی امام معصوم آن زمان است و در زمان غیبت امام نیز اهل ولی فقیه جامع الشرائط می باشد.

در مورد زید بن علی بن الحسین علیهما السلام بحثهای فراوانی وجود دارد و شکی در فضیلت و بزرگی و عظمت زید نیست و مرحوم مامقانی در تنقیح المقال در حالات زید گفته بر اینکه زید یک فرد برجسته و فقیه بوده و حرکتش مورد رضایت معصوم بوده اتفاق وجود دارد، اما یک زید بنام زید النار نیز داریم که پسر امام کاظم و برادر امام رضا علیهما السلام می باشد که در زمان مأمون و قبل از اینکه امام رضا علیه السلام به ایران بیاید بر علیه بنی عباس قیام کرد، قیام های مردمی بر علیه بنی عباس زیاد شده بود لذا مأمون شیطان صفت نقشه ای کشید و به مردم گفت که می خواهم به توس بروم و حکومت را به امام رضا علیه السلام واگذار کنم و با همین حيله تمام قیام ها خوابید اما بعداً ورق را برگرداند و برخی از اصحاب امام رضا و بعد خود حضرت را مسموم و شهید کرد و بعد دوباره به بغداد برگشت و حکومت را قبضه کرد، علی ای حال صدوق علیه الرحمه در عیون اخبار رضا علیه السلام خبری در مورد زید بن موسی بن جعفر علیهما السلام برادر امام رضا علیه السلام نقل کرده، خبر این است: ﴿حدثنا أحمد بن یحیی المکتب قال: اخبرنا محمد بن یحیی الصولی قال: حدثنا محمد بن یزید النحوی قال: حدثني ابن أبي عبدون عن أبيه قال: لما حمل زید بن موسی بن جعفر الی المأمون وقد كان خرج بالبصره واحرق دور ولد العباس وهب المأمون جرمه لآخيه علی بن موسی الرضا علیهما السلام وقال له: يا أبا الحسن لئن خرج اخوك وفعل ما فعل لقد خرج قبله زید بن علی فقتل ولولا مكانك منى لقتلته فلیس ما اتاه بصغير فقال الرضا علیه السلام: يا أمير المؤمنین لا تقس اخي زیدا الی زید بن علی فانه كان من علماء آل محمد غضب لله عز وجل فجاهد اعداءه حتى قتل في سبيله ولقد حدثني أبي موسی بن جعفر علیهما السلام انه سمع ابا جعفر بن محمد بن علی علیهم السلام يقول: رحم الله عمی زیدا انه دعا الی الرضا من آل محمد ولو ظفر لوفی بما دعا إلیه ولقد استشارني في خروجه فقلت له: يا عم إن رضیت ان تكون المقتول المصلوب بالکناسه فشانك فلما ولی قال جعفر بن محمد: ویل لمن سمع واعيته فلم یجبه، فقال المأمون: يا أبا الحسن الیس قد جاء فیمن ادعی الامامه بغير حقها ما جاء؟ فقال الرضا علیه السلام: ان زید بن علی لم یدع ما لیس له بحق وانه كان اتقی لله من ذلك انه قال: ادعوا الی الرضا من آل محمد علیهم السلام وإنما جاء ما جاء فیمن یدعی ان الله تعالی نص علیه ثم یدعو الی غیر

بلکه امام کسی است که حوزه خودش را از حمله و سیطره دشمن حفظ کند و جهاد کند و از اهل بیت و حرم و اسلام دفاع کند، حضرت به زید فرمودند آیا تو دلیلی بر این مطالبی که می گوئی داری و خلاصه حرفهای بسیاری زدند تا اینکه حضرت باقر علیه السلام چشمانش پر از اشک شد و به زید فرمود این چیزهایی که تو می گوئی درست نیست، علی آئی حال این یک روایت ضعیفی است که در مذمت زید نقل شده است و اما صحیحه عیص بن القاسم که خبر اول از باب ۱۳ از ابواب جهاد العدو وسائل الشیعة بود خبر بسیار خوبی در مدح زید و تأیید قیام و بیان عظمت و بزرگی او بود که به عرضتان رسید.

در کتاب مقاتل الطالبیین که مربوط به افرادی است که در زمان بنی امیه و بنی عباس قیام کرده اند ذکر شده که وقتی بنی امیه رو به سقوط می رفتند بنی هاشم حرکت هائی کردند، عبدالله پسر محمد بن حسن نوه امام مجتبی علیه السلام دو پسر بنام های محمد و ابراهیم داشت، محمد که به او نفس زکیه می گفتند در مدینه علیه منصور قیام کرد و عبدالله نیز در بصره قیام کرد، البته محمد نفس زکیه ادعای مهدویت کرد و گفت من همان مهدی هستم که پیغمبر فرمود، خلاصه اینها همگی جمع شدند و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و گفتند ما می خواهیم قیام کنیم و حکومت را در دست بگیریم و بعد از عبدالله و مهدی خیلی تعریف کردند و گفتند ما می خواهیم با پدر اینها محمد بن حسن بیعت کنیم و حکومت را به دست اینها که هاشمی هم هستند بدهیم، حضرت فرمودند این کار را نکنید هنوز نوبت ما (یعنی اهل بیت علیهم السلام) نرسیده و آن مهدی که پیغمبر خبر داده پسر تو نیست و هر کسی نمی تواند بگوید من مهدی موعود هستم، و اما اگر می خواهید برای امر به معروف قیام کنید آن مسئله دیگری است، بعد آنها به حضرت گفتند شما بزرگ ما هستید لذا بیایید و با عبدالله و یا مهدی و یا محمد بن حسن بیعت کنید اما حضرت فرمودند نه من شما را باطل می دهم، بعد محمد بن الحسن به حضرت گفت تو غیب نمی دانی بلکه علت عدم همکاری با فرزندانم این است که به آنها حسد می ورزی!، خلاصه تمام اینها کشته و اسیر شدند تا اینکه بالاخره بنی عباس حکومت را قبضه کردند، این خبر در ارشاد مفید و بحار نقل شده است.

یقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

دین الله ویضل عن سبيله بغیر علم وکان زید والله ممن خوبت بمذه الایه: «وجاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتیبکم»<sup>۱</sup>.

کلمه "امیرالمومنین" در این خبر ذکر شده اما در وسائل و کتب دیگر همین خبر بدون کلمه "امیرالمومنین" نقل شده لذا بحث شده که آیا ائمه علیهم السلام به این خلفا امیرالمومنین می گفتند یا نه؟ در کتاب "الامام الصادق المذاهب الاربعه" تالیف اسد حیدر که کتاب بسیار خوبی است گفته شده که هیچوقت ائمه علیهم السلام به خلفا امیرالمومنین نمی گفتند زیرا لقب مخصوص حضرت علی علیه السلام است و حتی در روایت داریم که شخصی به امام صادق علیه السلام گفت امیرالمومنین اما حضرت فرمودند این لقب جد ما علی علیه السلام است و حتی آن شخص سوال کرد آیا به امام زمان می توانیم بگوئیم که باز حضرت فرمودند خیر امام زمان القاب زیادی دارد اما این لقب مخصوص جد ما علی علیه السلام است، فلذا این کلمه فقط در نقل صدوق ذکر شده و احتمالاً ناسخ ها آن را زیاد کرده اند، بنابراین زید بن علی بن الحسین علیهما السلام با زید النار پسر موسی بن جعفر فرق دارند و علت قیام زید النار معلوم نیست و ممکن است برای خودش قیام کرده بوده برخلاف زید بن علی که برای اهل بیت علیهم السلام قیام کرد و بالجمله قیام الزید کان ثورة حقه امضاء الائمة علیهم السلام.

قبلاً عرض کردم کتابی داریم به نام "ثورة الفقیه و دولته" که در آن پنجاه نفر از علما و سیاست مداران بزرگ و سطح بالا از سرتاسر دنیا بالاتفاق گفته اند قیام امام خمینی رضوان الله علیه درست بوده است.

خوب و اما روایاتی نیز در ذم زید داریم که البته اسانید آنها کلاً ضعیف می باشد من جمله این خبر ضعیف که در اصول کافی کتاب الحجة صفحه ۳۵۶ حدیث ۱۶ نقل شده که زید خدمت حضرت باقر علیه السلام رسید و فرمود من می خواهم قیام کنم، حضرت به او فرمودند تو که میخواهی قیام کنی آیا مردم کوفه به سراغ تو آمده اند و برایت نامه نوشته اند یا اینکه تو می خواهی به سراغ مردم بروی؟ زید گفت بله از مردم نامه و درخواست زیاد داریم، اما حضرت به او فرمودند عجله نکن این کار درست نیست امور مقدراتی دارند و فعلاً حکومت بنی امیه سرچایش باقی است و از این قبیل تعبیرات، زید غضب ناک شد و گفت امام کسی نیست که در خانه اش بنشیند و پرده را بپاویزد و مردم را از جهاد باز بدارد

<sup>۱</sup> عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۲۵، باب ۲۵، حدیث ۱.